

## کوروش چوپان علی ر

کوروش که در ایران به کورش معروف است محبوب ترین پادشاه ایران است. او یک پیام رسان صلح و آزادی بود، و هنوز در قلب ایرانیان جایگاه بزرگی دارد.

ما داستان او را در زمینه بنی اسرائیل که در بابل به بردگی گرفته بودند، خواهیم گفت. آنها پس از آن که خداوند به دلیل نافرمانی، بت پرستی و بدرفتاری با یکدیگر، حمایت خود را از آنها را صلب کرد. اما خدا با آنها به عنوان یک قوم اتمام حجت نکرد. برای آزاد کردن آنها، خدا یک رهایی بخش فرستاد. بیش از صد سال قبل از تولد او، اشعیا در مورد او به نام نبوت و او را به عنوان "چوپان" توصیف کرد:

*او شبان من است و هر آنچه را که بخواهم انجام خواهد داد. او درباره اورشلیم خواهد گفت: بگذارید بازسازی شود و معبد، پایه های آن گذاشته شود.*  
(اشعیا 44: 28)

و همچنین به عنوان مسح شده:

*خداوند به مسح شده اش، به کوروش که دست راستش را می گیرم، چنین می گوید ملت ها را در برابر او رام می کنم و پادشاهان را از زره هایشان خلع می کنم تا درها را به روی او بکشایند تا دروازه ها بسته نخواهد شد.*  
(اشعیا 45: 1)

اینها پیشگویی های قدرتمندی هستند. اما خداوند به وعده خود عمل کرد و کوروش به وعده خود وفا کرد. هدف با انجام این کار، کوروش پادشاه بزرگتر، خداوند عیسی مسیح را پیش بینی کرد. جزئیات بیشتر این داستان ...

## اسارت قوم یهود

پس از مرگ داوود، پادشاه بزرگ اسرائیل، پسرش سلیمان بر تخت نشست و شروع به ساخت و ساز معبد یهوه خدا در اورشلیم کرد. این معبد در حدود سال 957 قبل از میلاد تکمیل شد. و با شکوه بود. اما پس از مرگ سلیمان، پسرش رحبعام پادشاه شد. او تصمیم گرفت با مردم خشن باشد و مالیات ها را به

شدت افزایش داد. مردم قیام کردند و اتحاد اسرائیل از بین رفت. اسرائیل به دو بخش تقسیم شد: پادشاهی شمالی (که هنوز اسرائیل نامیده می شود) و پادشاهی جنوبی (اکنون یهودا نامیده می شود). اینها حدود 200 سال به عنوان همسایگان در تنش ناآرام زندگی کردند تا اینکه صبر خدا از بد رفتاری آنها با یکدیگر تمام شد.

قضاوت های خداوند به صورت ارتش های مهاجم آمد. پادشاهی شمالی از اسرائیل بین سالهای 700 تا 732 قبل از میلاد متحمل چندین تهاجم آشور شد تا اینکه کاملاً ویران شد. سپس پادشاهی جنوبی یهودا طی سالهای 686-701 قبل از میلاد با تهاجمات متعدد روبرو شد. با این حال، در لحظه ای حساس، خدا تصمیم گرفت که مداخله کند، و یهودا در برابر این یورش ویرانگر مقاومت کرد. پادشاه آشور شکست خورده به خانه بازگشت.

در سال 612 قبل از میلاد، امپراتوری آشور با نابودی خود مواجه شد. بابلی ها در حال افزایش قدرت که به امپراتوری مسلط منطقه بین النهرین تبدیل شدند. بابلی ها نیز شهوت تهاجم داشتند و در سال 605 قبل از میلاد، نبوکدنصر پادشاه بابل به یهودا حمله کرد و یهو یاقیم پادشاه یهودا را دستگیر کرد و او را تحقیر کرد و خدمتگزار خود ساخت. تهاجمات بیشتری به دنبال داشت و در طول سومین و آخرین حمله نبوکدنصر به یهودا اورشلیم را محاصره کرد و ویران کرد و معبد زیبایی را که سلیمان ساخته بود ویران کرد. بسیاری از اشیای قیمتی آنها از خزانه معبد غارت شد و برای پیروزی به بابل برده شد. نبوکدنصر همچنین تمامی مردم یهودا را اسیر و به بردگی گرفت و آنها را به بابل تبعید کرد.

*دانیال یکی از پیامبران آن زمان بود. خودش بردگی و زور مهاجرت به بابل را تحمل کرد، اما زمانی که در آنجا بود خوابی نبوی دید، در چشم انداز من در کنار آبراه اولای بودم. من به بالا نگاه کردم، و قبل از من یک قوچ بود دو شاخ در کنار کانال ایستاده بودند و شاخ ها بلند بودند. یکی از شاخ ها بلندتر بود نسبت به دیگری اما دیرتر بزرگ شد. من به قوچ نگاه کردم که به سمت غرب و شمال و جنوب حرکت می کرد. هیچ حیوانی نمی توانست در برابر آن بایستد و هیچ کس نمی توانست از آن قدرت نجات یابد. هر طور که می خواست انجام داد و عالی شد.*

به دانیال گفته شد که قوچ دو شاخ نشان پادشاهی ماد و ایران است. کوروش قرار بود آن پادشاه بزرگ ایران باشد. در خواب دانیال، او مانند قوچ دو شاخ است. ظاهراً به مردمی که اسیر و تشنه آزادی بودند وعده داد. و دوشاخ او نشانه قدرتی است که او دارد. اشعیا قبلاً از تصاویر مشابهی استفاده کرده بود، اما در تصویر او قدرت را مانند یک پرنده شکاری می دید.

از مشرق پرنده شکاری را احضار می کنم. از سرزمینی دور، مردی برای تحقق هدفم آنچه را که گفته ام، انجام خواهم داد. آنچه را که من تدبیر کرده ام، انجام خواهم داد. (اشعیا 46: 11)

یکی از اصولی که در این روایات تاکید شده، این است که خداوند او را رهایی بخش - کوروش - فرا می خواند و نیت را در دل او جای می دهد. پس از یک رویایی که بعدا دانیال دید، تا بینش واضح تری از کار خدا دهد که از طریق فرشتگانش انجام می دهد،

سپس [فرشته جبرئیل] ادامه داد: « ای دانیال نترس. از اولین روزی که دل خود را بر آن نهادی تا بفهمی خود را در برابر خدای خود، فروتن سازی، سخنانت شنیده شد و من در پاسخ به آنها آمده ام. اما شاهزاده پادشاهی پارس بیست و یک روز در برابر من مقاومت کرد. سپس میکائیل، یکی از رؤسایان ارشد است، به کمک من آمد، زیرا من در آنجا با پادشاه ایران مانده بودم. (دانیال 10: 12-13)

شاید او نمی دانست، اما برخی از قابل اعتمادترین مشاوران کوروش ممکن است فرشتگان بوده باشند!

## کوروش، بنیانگذار حقوق بشر

کار رهایی کوروش امروز نیز ارج داده می شود. طبق تواریخ نیونعید، 29 اکتبر 539 قبل از میلاد بود که کوروش کبیر دولت شهر بابل را شکست داد و حدود 50000 اسیریهودی را آزاد کرد. از این رو، 29 اکتبر همچنان توسط ایرانیان امروزی "روز کوروش" نامیده می شود، اگرچه در تقویم رسمی ثبت نشده است. در واقع مردم ایران از سوی رژیم کنونی جمهوری اسلامی از برگزاری مراسم کوروش کبیر منع شده اند. با این وجود، زیرا این روز در ذهن و خاطرات بسیاری از مردم ایران ریشه دارد هنوز هم در پاسارگاد (پایتخت کوروش کبیر) به مناسبت سالگرد بزرگداشت گرد هم می آیند.

و فقط ایرانی ها نیستند. در این روز، مردم از سراسر جهان به آرامگاه کوروش برای حفظ فرهنگ و تمدن ایرانیگرد هم می آیند تا یاد و نام را گرامی بدارند. کوروش که در تاریخ جهان شگفتی آفرید.

پس از فتح بابل، کوروش دستور داد که منشوری بر روی یک لوح سفالی استوانه ای نوشته شود. استوانه کوروش در مارس 1879 در بابل کشف شد و اکنون در موزه بریتانیا نگهداری می شود. برای تمام بشریت ارزش تاریخی دارد زیرا اولین لوح آزادی انسان است.

منشور کوروش به آزادی تمامی ملیت ها و قومیت های سابق اشاره دارد. متون استوانه ای نشان می دهد که همه حق آزادی و انتخاب دارند و همه افراد باید به یکدیگر احترام بگذارند. استوانه نیز به

مقاومت در برابر ظلم، دفاع مظلومان، احترام به کرامت انسانی و به رسمیت شناختن حقوق بشر دعوت می کند.

ترجمه منشور کوروش بنیانگذار حقوق بشر به شرح زیر است :

منم کوروش، شاه جهان، شاه بزرگ، شاه توانا، شاه بابل، شاه سرزمین ها سومر و اکد، پادشاه چهار ربع جهان، پس از ورود به بابل در صلح، در میان شادی و سرور، کاخ سلطنتی را مرکز حکومت قرار دادم... و اما شهروندان بابل که (نابونیوس) به نحوی (کاملاً) مطیع آنها شده بود بر خلاف میل خدایان برایشان مناسب نبود، آنها را از خستگی رها کردم و بار آنها را آسان کردم... من نیز همه افراد آنها را جمع کردم و به آنها را به سکونتگاه ها برگرداندم...

در 14 اکتبر 1971، خواهر شاه ایران، شاهزاده اشرف پهلوی، ماکتی را از استوانه به دبیرکل سازمان ملل متحد از طرف کشور ایران ارائه کرد. او گفت،

میراث کوروش میراث درک بشری، بردباری، شجاعت بود، شفقت و بالاتر از همه آزادی انسانی است.

در شهریور ۱۳۸۹، موزه ملی ایران نمایشگاه استوانه کوروش را افتتاح کرد. و موزه بریتانیا استوانه کوروش را برای این نمایشگاه قرض دادند. این نمایشگاه این باور را که ملت ایران از زمان قدیم تاکنون همواره حامی عدالت، فداکاری و ارزش های انسانی بوده است را تبلیغ کرد.

بسیاری از ایرانیان به کوروش کبیر به دلیل احترام و عملکرد او در برخورد با حق مردم و برای احسان او، برقراری حقوق بشر و پیگیری آزادی و رهایی برای مردم برده، احترام می گذارند. او برای ایجاد عدالت در امپراتوری خود تمرکز کرد - که یکی بزرگترین امپراتوری های تاریخ بشر بود. او همچنین پادشاهی خود را بر احترام و بردباری پیش بینی کرد. ادیان مختلف و متفاوت استراتژی های او هنوز به عنوان الگویی برای روشنفکران و دلسوزان عمل می کند.

رهبران گزنفون مورخ یونانی کوروش را جشن گرفت زیرا ،

و به رعایای خود احترام می گذاشت و به گونه ای از آنها مراقبت می کرد که گویی آنها فرزندان خود هستند و آنها، همچنان به نوبه خود، کوروش را به عنوان یک پدر گرامی داشتند. (سیروپدیا، گزنفون، 354-430 ق.م)

کوروش را "بزرگ" می نامند. او به حق باید به خاطر احترامی که به حاشیه نشینان محروم و فراموش شده دارد، تجلیل شود. رهبران بزرگ به مردم خود احترام می گذارند، به آنها اهمیت می دهند و به آنها خدمت می کنند خداوند عیسی مسیح در خدمت خود نمونه بود. و عیسی به شاگردان خود دستور می دهد که به همین ترتیب عمل کنند،

می دانید که فرمانروایان غیریهودیان بر آنها مسلط هستند و مقامات بلندپایه شان تمرین اقتدار بر آنها می کنند در مورد شما اینطور نیست. در عوض، هر که می خواهد در میان شما بزرگ شود باید خادم شما باشد...

## هدف از آزادی

اگرچه در استوانه به صراحت از یهودا و اورشلیم نام برده نشده است، اما این را نشان می دهد که کوروش نگران آزادی رعایای خود بود. این نشان دهنده سیاست های خیرخواهانه و حکمرانی خوب اوست، و از روایت کتاب مقدس مبنی بر اینکه او نگران آزادی مذهب اسیران مانند یهودیان بود.

این چیزی است که کتاب تواریخ برای ما ثبت می کند،

در سال اول کوروش، پادشاه ایران، به منظور تحقق کلام خداوند که توسط ارمیا گفته شده بود، خداوند قلب کوروش پادشاه ایران را به حرکت درآورد تا اعلامیه در سراسر قلمرو او و همچنین به صورت مکتوب کند:

کوروش پادشاه ایران چنین می گوید: «خداوند، خدای آسمان، به من تمام پادشاهی های زمین داده است و او مرا گماشته است که در اورشلیم در یهودا معبدی برای او بسازم. هر یک از قوم او در میان شما می تواند برود و باشد که خداوند با آنها باشد.» (دوم تواریخ 36: 22-23، عزرا 1: 3)

وقتی کوروش به یهودیان دستور داد به اورشلیم بازگردند، آزادی تنها هدف نبود. آنها آزاد نبودند هر کاری که می خواستند بکنند. آنها مأمور شدند خانه خدا را در اورشلیم بسازند.

آنها کمی پیشرفت کردند. علی رغم مخالفت رهبران محلی در آن زمان، نحمیا و مردم دیوارهای اورشلیم را بازسازی کردند. با این حال، با گذشت زمان، مردم اسرائیل آسایش خود را در اولویت قرار دادند و چندان نگران ساخت خانه خدا نبودند. آنها از هدفی که به خاطر آن آزاد شدند دور می شدند. خدا باید این را به آنها یادآوری کند آنها برای هدفی آزاد شدند،

این همان چیزی است که خداوند قادر متعال می‌فرماید: «در راه‌های خود دقت کنید. به فراز کوه‌ها بروید را چوپ بیاورید و خانه‌ام را بسازید تا از آن لذت ببرم و خداوند می‌گوید محترم باشید. توقع زیادی داشتید، اما ببینید چه اندک حاصل آمد و آنگاه که همان اندک را به منزل بردید، بر آن دمیدم و بر باد شد. چرا؟ "خداوند قادر مطلق اعلام می‌کند." به سبب خانه من که ویران می‌ماند، در حالی که هر کدام از شما مشغول خانه خود هستید.

(حجی 1: 7-9)

همه اینها برای ما درس است. همانطور که یهودیان نتوانستند با قدرت خود آزادی خود را به دست آورند، ما نیز نمی‌توانیم با قدرت خود، خود را از اسارت مرگ و گناه رها کنیم. همانطور که کوروش یهودیان از اسارت و بردگی نجات داد به همین ترتیب عیسی ما را از اسارت و بردگی گناه نجات می‌دهد. در این مورد، کوروش یک نوع (یا نمونه) از مسیحا بود.

و همانطور که کوروش در کتاب مقدس شبان نامیده می‌شود، عیسی مسیح نیز شبان خوب است. او چوپانی است که هرگز گله را رها نکرد و جان خود را فدا کرد تا ما را از شر اسارت و بردگی گناه نجات دهد.

اما این آزادی که در عیسی مسیح به دست می‌آوریم برای یک هدف است،

در نتیجه شما دیگر خارجی و غریبه نیستید، بلکه همشهری خدا، مردم و نیز اعضای خاندان او هستید، بر پایه رسولان و انبیا با خود عیسی مسیح به عنوان سنگ اصلی آن بنا شده است. در او کل ساختمان به هم پیوستند و تا در خداوند معبدی مقدس شوند. و شما نیز در او با هم بنا شده تا به خانه‌ای تبدیل شوید که خدا به وسیله روح خود در آن زندگی می‌کند.

(افسیان 2: 19-22)

بنابراین بهترین استفاده از این آزادی که داریم این است که برای ساختن خانه خدا تلاش کنیم، خدمت خدا و یکدیگر را با عشق، درست مانند قوم اسرائیل در زمان عزرا و نحیا کنیم. و نتیجه این خدمت به خدا، در عشق به یکدیگر، هدیه زندگی ابدی است:

اما اکنون که از گناه رها شده‌اید و بنده خدا شده‌اید، به شما سود می‌رساند و منجر به تقدس می‌شود و نتیجه آن زندگی ابدی است.

(رومیان 6: 22)

ما نباید اجازه دهیم آسایش یا آرامش خودمان مانع از بینشی شود که خداوند در مقابل ما قرار داده است. نباید فراموش کنیم که آزاد شده‌ایم، بلکه باید خود را وقف هدفی کنیم که خدا برای ما دارد. از دست دادن بینش می‌تواند ما را به اسارت و بردگی بازگرداند.